

استاد حسن انوشه

و نخستین مترجم شاه نامه، بَنداری

پیدا شده است. شایسته تر آن است که دنباله ی سخن را استاد حسن انوشه ادامه بدهند که تمام گفته های ایشان مستند به نوار پیاده شده از سخن رانی استاد در آیین بزرگ داشت فردوسی می باشد:

من می خواهم درباره کهن ترین ترجمه ی شاه نامه از فارسی به زبان های دیگر خدمت شما عرابیسی تقدیم کنم. گفته اند که کهن ترین ترجمه ی شاه نامه در آسیای میانه به دست ترکان آسیای میانه انجام گرفته است. اما از آن ترجمه ها هیچ نشانه هایی تا به امروز به دست نیامده است. کسی که این کتاب را برای نخستین بار به زبان دیگر ترجمه کرده و امروز هم در دست ما است ترجمه ی قوام الدین فتح ابن علی اصفهانی معروف به بَنداری اصفهانی است - بندار هم چنان که از نامش بر می آید یا مأمور مالیاتی دستگاه دولتی بوده یا خودش بنه دلار یعنی زمین دار بوده است. به گفته ی پاره ای از متأخران این بنداری در ۵۸۶ هجری در اصفهان به دنیا آمد. در ۶۲۰ به شام کوچید و در آن جا به خدمت ملک معظم عیسا ایوبی که براندرزاده ی صلاح الدین ایوبی بود در آمد و خدمت وی می کرد. گفته اند وقتی که او به خدمت پادشاه ایوبی شام رفت نسخه ای از شاه نامه به آن جا برد و این شاه نامه را به ملک معظم اعلا کرد. دوره ی فرمان روائی ملک معظم ایوبی مصادف است با پنجمین دوره ی جنگ های صلیبی. در این سال ها اروپایی هایی که به قصد آزاد کردن اماکن متبرکه ی

در اقله ی سخن رانی های بزرگان شاه نامه شناس و شاه نامه پژوه در آیین بزرگ داشت هزارمین سال سَرایش شاه نامه و حکیم بزرگ توش که از سوی مجله ی فردوسی در ۲۳ اردیبهشت ماه سال جاری با حضور برجسته ترین شاه نامه پژوهان معاصر، دوست داران فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و گروه فراوانی از علاقه مندان شاه نامه ای در تالار آموزش و پرورش میدان تجریش تهران به شایسته گی و شکوه مندی اجرا شد. قول داده بودیم که متن سخن رانی استادان شاه نامه شناس را به ترتیبی که در نوبت سخن رانی مطالب را بیان داشته اند، در شماره های مختلف مجله ی فردوسی چاپ شود. در این شماره نوبت چاپ به متن سخن رانی مرد خرد، ادب، تاریخ و بنیان گزار دانش نامه ی ادب پارسی رسید.

استاد حسن انوشه یار دیرین مجله ی فردوسی یکی از پرکارترین، اما کم توقع ترین، افتاده ترین، کم سر و صدا ترین و شکیباً ترین فرهیخته گان، ادیبان آگاه و صاحب اندیشه و تفکر ایرانی - اسلامی است. پژوهش های وی در زمینه های تاریخ ایران و عرب و شگفتی های آفریده شده توسط خردورزان، اندیش مندان و دانش پژوهان ایرانی در گسترده و جهانی کردن زبان، فرهنگ و اعتقادات عربان و حتا گسترش جهانی اسلام با قدرت قلم، بیان و اندیشه ی دانش مندان ایرانی به ویژه از قرن سوم تا پنجم هجری بر هیچ سخن دان صاحب اندیشه ای پوشیده نیست و استاد حسن انوشه یکی از کارشناسان و صاحب نظران علمی در بیان این مستندات تاریخی هستند.

ملک معظم کرد تبار و تیره ای از اقوام ایرانی بود که با زبان فارسی آشنایی داشتند و آن را به خوبی در می یافتند. شاید به همین دلیل بود که بنداری اثری فارسی را پیدا و تقدیم کرد. یعنی این که شاه زبان فارسی را می دانست که کتاب فارسی به او تقدیم کردند.

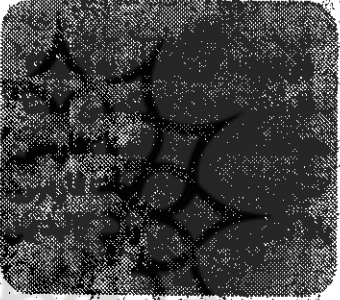
خود از شام تا مصر تاخت و تاز می کردند. در این مناطق ماندند و سکونت اختیار کردند و بعد رفته رفته کارشان را گسترش دادند. دست اندازی های خودشان را آغاز کردند. استامبول را گرفتند. وارد کرانه ی شمال شرقی دریای مدیترانه شدند و تا انتهای غرب مصر پیش رفتند. در این دوره بود که ایوبیان می کوشیدند تا شام را که در سال ۵۸۷ برای دومین بار به دست صلیبی ها افتاده بود از تصرف آن ها بیرون کنند. ملک معظم که کرد تبار و تیره ای از اقوام ایرانی بود با زبان فارسی آشنایی داشت و آن را به خوبی در می یافت. شاید به همین دلیل بود که بنداری اثری فارسی به او تقدیم کرد یعنی این که شاه زبان فارسی را می دانست که کتابی به فارسی به او تقدیم کردند. اما چرا از میان آثار فارسی شاه نامه را برگزیدند؟ می توان احتمال داد که بنداری با هدفی ملی از یک سو و از طرف دیگر برای ایجاد انگیزه بین سربازان و

استاد حسن انوشه، به استناد سوابق زیادی که از وی داریم و همیشه نیز مورد عتاب قرار گرفته ایم، چندان دل خوش ندارم که درباره اش بیش تر از آن چه که خودش انتظار دارد، گفته آید. به همین سبب سخن را کوتاه می کنیم و به متن سخن رانی وی در «آیین بزرگ داشت فردوسی» می پردازیم. بی گمان شاه نامه پژوهان آگاه هستند که در همان آغاز کار جست و جو برای یافتن کهن ترین نسخه ی خطی شاه نامه، نسخه ای پیدا شد که برگردان شاه نامه بود از زبان پارسی به زبان تازی و مترجم نیز کسی نبود جز، ابولفتح علی بن بَنداری اصفهانی. در حال حاضر این ترجمه، کهن ترین نسخه ی موجود شاه نامه در جهان است که حدود ۲۰۵ سال پس از درگذشت فردوسی



شاه نامه، ترجمه ی بنداری، به فرمان سردار نام آور کرد در پنجمین دوره ی جنگ های صلیبی از زبان پارسی به زبان قازی ترجمه گردید

سردار نام آور که به معنی گوش مالی دلقن و فرو گرفتن به کار می رود، دست کشیدن بر پشت اسب ترجمه می کند. روی هم رفته ۳۰۲ بیت عربی به صورت قطعه های چند بیتی به ترجمه اش می افزاید که ۱۳۰ بیت آن قطعه های چند بیتی است و تقریباً این طرز که در مدح ملک معظم ایوبی است سروده خود او است و بیت های دیگر از سراینده گان نا شناخته تر. ترجمه ای بنداری را عبدالرحمن عزمی، تاریخ نگار مترجم و فارسی پژوه مصری تصحیح کرده و در سال ۱۳۵۰ شمسی در شماره به چاپ رسانده است و همین جا در سال ۱۳۷۰ در تهران به چاپ رسیده است. عزام چنان که در مقدمه ی کتاب گفته از آگاهی هایی که در ایران در تاریخ ادبیات ایران به دست آمده به وجود نسخه ای از این کتاب در کتابخانه ی دانش گاه کمبریج پی برد و سپس به برای نیکلسون آن نسخه ای را که بخش بزرگی از آن از بین رفته بود مطالعه کرد و هم چنان علامه ی قزوینی او را از وجود دو نسخه ی دیگر در پاریس و برلین با خبر کرد و در پی آن نسخه ی کامل ترجمه ی بنداری را در کتابخانه ی کوپریلی و توپنایوسرای استامبول پیدا کرد. او از میان نسخه ها نسخه ی برلین را که رونوشت نسخه ی مترجم بوده و در سال ۶۷۵ کتابت شده اساس تصحیح قرار داد و مقدمه ای مفصل که مشتمل بر صد و یک صفحه است به کتاب افزود و در آن موضوعاتی چون استوره ی ایلخانی و دینیهستان سربازی در ایران، شاه نامه، زندگی فردوسی و شرح حال کسانی دیگر پرداخت. عزام گذشته از تصحیح



موشکافانه ی ترجمه ی بنداری، با مراجعه به شاه نامه کاشی های ترجمه ی بنداری را جبران کرد یعنی آن چه را که بنداری چنانداخته بود بر کتاب بازگرداند و برای این که نمونه ای از شعر فردوسی را به خواننده گان عرب بشتاند اقتاده های ترجمه ی منظور بنداری را به نظم عربی ترجمه کرد و بر کتاب افزود.

در ۱۳۱۳ یا ۱۳۱۴ که جشن هزاره ی فردوسی در ایران برگزار شد عزام به خاطر چاپ همین کتاب با عبدالحامید غنایی، احمد حامد ضراف و جمیل صنفی زهلوی به نام نماینده گان ملت های عرب در این جشن شرکت کرد و گذشته از آن که مقاله ای با عنوان «مقام شاه نامه در ادبیات جهان» ارائه کرد قصیده ای نیز در ۳۰ بیت به فارسی در کنار آرام گاه فردوسی خواند دل بسته گی عزام به ادبیات فارسی چندان بود که می گفت هر گاه که عربی توانست فارسی سخن بگوید و از ادبیات فارسی یاد کند روح زندگی را در کالبد من می دمد اما چرا بنداری شاهنامه را به نثر عربی ترجمه کرد باید بگویم که شاعر عرب از گفتن شیوری که از ۲۰-۳۰ بیت بیشتر باشد ناتوان است و تنها در ایات نخستین شعر امکان آن را می یابد که مقصودش را با توفیق پیش ببرد اگر چه در دوره ی طلوع شعر فارسی ایرانیان از برخی از قالب ها و قواعد عربی بهره گرفته اند اما پایه ی از این قالب ها مانند مثنوی و رباعی که عرب ها آن را با نام دو بیت می خوانند و مثنوی که قالب شاه نامه است از ابداعات خود ایرانیان است. در عربی شعر حماسی را شعر قصصی یا شعر بطولی یا ملحمه می خوانند و آن را در قالب قصیده که شعری کوتاه است می سازند و نه مثنوی که می توان آن را در چند هزار بیت هم دنبال کرد. بنابراین عرب ها نمی توانستند دریابند که چرا شعری باید سی و هفت هزار بیت باشد و همین مسئله بنداری را ناگزیر کرد که شاه نامه را به نثر در بیورد و نه به نظم.

سردار نام آور (برادرزاده ی صلاح الدین ایوبی بزرگ) که متولد زیاد ی از آن ها نیز گرد بودند و فارسی می دانستند شاه نامه را که گزارش دلاوری های پهلوان ایرانی بود به پادشاه تقدیم کرد تا آنان که فارسی می دانستند به فارسی و آنان که به زبان عربی مسلط بودند ترجمه ی عربی آن را بخوانند و با روحیه ای توحید شمه و نیرویی مصافحانه با شاه در جنگها به پیشانی صلیبی پیروز شده سرزمین های اسلامی را از چنگ آنان به در آوردند بنداری از جمادی الاولی ۶۲۰ هجری تا شوال ۶۲۱ هجری به کار ترجمه ی شاه نامه سرگرم بود و ظلم آن سال ۶۲۲ هجری که ملک معظم در کشتن بخاری که همواره در روزی بازگشته به سرانجامش بود اصمهان بازگشته آگاهی درباره ی زندگی بنداری همین اندک است. اما چنین می نماید که او در روزگار خود شهرت و اعتبار فراوان داشت چنان که در یکی از نسخه های ترجمه ی شاه نامه از او به عنوان فقیه اجل نام برده شده است و شاعر هم روزگار او خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل اصفهانی در قطعه شعری ۳۱ بیتی که برای بنداری سروده و شعر را از اصفهان به دمشق پیرایش فرستاده است او را صدرا الافاضل نامیده و از معنی خوب و سیرت نیکو و گفتار نغز او ستایش کرده است. ترجمه ی بنداری نشان می دهد که مهارت او در زبان عربی بسیار زیاد بوده است و نثری کمابیش شفاف و روان داشته و آن چه می نوشته فاقد عبارات پر زحمتی و دشوار گویی بوده است. هم چنین او در گزینش برابر نهادن های عربی واژه های شاه نامه دقت فراوان به کار برده چنان که می توان از ترجمه ی او برای تصحیح شاه نامه و بیرون کردن بیت های الحاقی کمک نیز گرفته اما چون قصد ملک معظم از ترجمه ی شاه نامه خواندن آن در میان سربازان عرب و برانگیختن روح سلحشوری در آن ها در نبردشان با صلیبی ها بوده است بنداری شاید به صلاح دید پادشاه آن قسمت از شاه نامه را به عربی برگردانده که دارای داستان های حماسی و برانگیزاننده بوده است. ترجمه ی بنداری روی هم رفته سی و هفت هزار بیت از شاه نامه را در بر می گیرد و داستان های عشقی، مانند داستان های بیوتن و منیزه و سخنان شخصی و عاطفی فردوسی و پیش در آمدهای داستان های پهلوانی و مدح سلیمان محمود غزنوی، را که برای سربازان چندان جنبه ای نداشته از ترجمه انداخته است. بنداری در ترجمه ی شاه نامه از برخی کتاب های تاریخی که در آن ها به تاریخ داستانی ایران نیز اشاره شده سود جسته است، مانند تاریخ الرسل و الملوک طبری و تاریخ سنی الملوک الارض الانبیاء حمزه ی اصفهانی و تاریخ مروج الذهب مسعودی. او که گاه داستان هایی از این کتاب ها را برگزیده و به ترجمه افزوده است. به همین دلیل از برخی از این داستان های ترجمه شده در شاه نامه اثری نیست. گاهی نیز در ترجمه از آیات قرآنی و احادیث نبوی شاهد می آورد که ربطی به شاه نامه ندارد مانند همان کاری که ابوالمعالی نصرالله بن منشی شیرازی در ترجمه ی کلیله و دمنه ی ابن مقفع از عربی به فارسی کرده است. در جاهایی که با گمان می کرده فهم و تریاقیت پاره ای از واژه ها برای تازین دشوار است عنوان آن ها را تغییر داده و به جای آن واژه هایی آورده که عرب ها آن ها آشنایی بیشتری دارند چنان که به جای واژه ی اهریمن کلماتی چون لیلیس و جنی می نشاند گاهی نیز دو معنی ترجمه گویی در درستی داستان تردید می کند و چملاتی مانند قال و زعم الصحاب الکتاب می آورد و این عبارت دوم را بارها تکرار می کند یعنی این که خود من هم باور ندارم که چنین اتفاقاتی افتاده باشد.

با این که ترجمه ی بنداری کاری ارزش مند است. از خطا برکنار نیست و ترجمه ی آن گاهی درست و گاهی هم نادرست است. مثلاً بنداری واژه ی نذخیم را اسمی خاص می پندارد و فکر می کند نذخیم اسم شخصی است.